

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

سید هاشم سدید

۲۸ مارچ ۲۰۱۲

## قیام مردم سوریه را فتنه خواندن جرم است!

اگر خواسته باشیم تصویری با قلم و کلام از اوضاع جاری سوریه، نه از لحاظ تاریخی و از نگاه پرداختن به جزئیات همه مسائل سیاسی - اجتماعی سوریه و جهان، بلکه با عمده سازی تنها چند موضوعی به غایت مهم ترسیم کنیم، چهار مورد از جمله مواردی هستند که محتوای اصلی و اساسی و تأثیرگذار تصویر ما را تشکیل خواهند داد.

این چهار مورد عبارت اند از:

- ۱- وجود نظام دیکتاتوری بسیار بیرحم و خشن و بس طولانی در این کشور.
- ۲- قیامی به امتداد قیام های بیشمار مردم تحت ستم، ناراض و به ستوه آمده علیه این نظام.
- ۳- بی تفاوتی حق طلبانه حاکمیت مغرور و سلطه گر در برابر خواستهای به حق مردم.
- ۴- توسل به زور و کشتار های بی رحمانه رژیم.

این تصویری از زندگی کمی بیشتر از چهار دهه مردم سوریه، بدون هیچ ابهامی طرف قبول همه انسان های واقع بین و همه آن هایی که در پی بیان آگاهانه، مسؤلانه و ریشه ئی وقایع این کشور هستند، می باشد. چنین انسان هایی در یک کالبد شناسی تام و تمام وقایع این کشور، و در نتیجه گیری که از این کالبد شکافی می کنند با وضاحت و شهامت کامل - با دید عاطفی و انسانی - از قیام مردم سوریه علیه حکومت فاسد و زورگوی این کشور پشتیبانی نموده به مردم این کشور حق می دهند تا برای رهائی خویش از اسارت اسد دیکتاتور به پا خیزند و برای سرنگونی نظام منفور و سرکوبگر ضد مردمی تا احیای حقوق شان مبارزه کنند.

انسان هایی که در نمودار حوادث سوریه مردم را در مرکز قضاوت های شان به عنوان تنها بُعد صاحب حق قرار می دهند، به مسأله خیزش و اعتراضهای مردم سوریه علیه حکومت بشارالاسد از دریچه سیاست های جهانی و نفع و ضرر آنها نگاه نمی کنند، و این قیام و قیام های قبل از این را به فکر این که در خدمت برآورده شدن منافع و اهداف ژئواستراتژیک و ژئوپولیتیک غرب قرار دارد، ناموجه نمی خوانند. یا مردم را به اتهام همسوئی فکری - سیاسی با ایران و روس و غیره و غیره با چوب بی انصافی بیرحمانه نمی رانند و نقش مردم را به نقش عوامل عرب و ... تقلیل نمی دهند. یا قیام مردم سوریه علیه نظام دیکتاتوری موجود را، همانگونه که حاکمیت در سوریه و

دولت های ایران و روس اعلام می دارند، به دسته های کوچک تروریستی و عوامل بیگانه های خرابکار و آشوبگر منسوب و مربوط نمی دانند، و آن ها را غیر قانونی و غیرموجه قلمداد نمی کنند.

این گونه علت تراشی ها - که البته تأخیدی بی جا هم نیستند - در تصویری که ما از اوضاع سوریه به وجود می آوریم، جایی ندارد؛ زیرا توجه ما به جای دلایل بالا، نه به تعداد محدود و معدود عوامل غرب و شرق و عرب و عجم و اشرار و خراب کار است، بلکه به عمده ترین مورد، به اهم ترین مورد، یعنی به اکثریت قاطع مردم مغضوب و ممقوت و مقهور سوریه است، که متأسفانه در ارزیابی های برخی از تحلیلگران ما کمتر بدان ها توجه شده است؛ مردمی که طی چهل و یک سال قهراً در انقیاد و سختی های توان فرسا به سر برده اند و با هر اعتراضی علیه عاملین این سختی ها به شدید ترین وجه سرکوب شده اند. مردمی که هزار هزار بار در نتیجه روش های توهین آمیز و تشدد و سختگیری های حاکمیت فاسد و ستمگر و غیرمردمی به پا خاسته اند و لب به شکایت و اعتراض گشوده اند، ولی هر بار به جای این که فریاد ها و استغاثه های به حق آن ها شنیده شود، با تفنگ و توپ و تانک و طیاره و با دشنه و قمه و سیلاوه و ساطور و زندان و شکنجه روبرو شده اند. مردمی که حاکمیت طی چهل و یک سال گذشته هیچ نوع ارزش و احترام و حق و حقوقی برای شان قابل نبوده است.

اگر پیروی از سیاست های جاری کشورهای متخاصم - امریکا و روس و ایران و عرب و اسرائیل و ... - در ارتباط با مسائل شرق میانه و جهان برای لحظه ای به کنار گذاشته شود و تنها به مسأله آزادی و حق حاکمیت مردم سوریه توجه شود، و به انسان، به عنوان یگانه ارزش و صاحب همه حقوق در یک کشور حق داده شود، و تنها وی را محور و مرکز همه تفکرات و فعالیت های بشری بدانیم، انسانی تر این است که بگوئیم:

۱- حاکمیت میراثی که زمانی، بجا یا بیجا، به دنبال کودتائی نطفه مردار آن هستی یافته و طی یک دوره چهل و یک ساله بدون توجه به خواست های مردم با خشونت تمام بر اریکه قدرت جا خوش کرده و هر آنچه دلش خواسته انجام داده است، نه به حق است و نه معقول و مقبول!

۲- دیکتاتوری و حاکمیت خشن و ستمگر سوریه باید حق مردم را به رسمیت بشناسد و به آنچه مردم خواهان آن است - دست کشیدن از قدرت - تن دردهد.

۳- کسانی که به هر دلیل و عنوانی مخالف این نظرند، تنها و فقط یک بار خود را، بدون این که خوشبینی یا بدبینی و وابستگی فکری - سیاسی خویش به این یا آنکشور را میزان قضاوت های شان قرار بدهند، در شرایط بینهایت دشواری که مردمان سوریه یا کشورهای مانند این کشور قرار دارند، قرار بدهند و ببینند که وجدان شان در همچو مورد چه حکم می کند!

۴- اگر ما به اصل حاکمیت مردم بر سرنوشت شان باورمند هستیم، باید به مردم سوریه نیز حق زمامداری و حق تصمیمگیری در ارتباط با شکل و فورم نظام سیاسی - اقتصادی - فرهنگی شان، به اساس این اصل، را بدهیم.

فراموش نباید کرد که در نظام های مردمی مشروعیت حکومت ها به رأی و خواست مردم تعلق می گیرد. و ما، اکثراً، مدعی داشتن چنین اعتقادی هستیم!

۵- به نظر ما در این کشمکش حق را انصافاً و باید به مردم سوریه بدهیم؛ نه به اسد و ایران و روسیه و امریکا و عرب و ... چرا؟ چون اول فلسفه وجودی حکومت ها به اراده و به اختیاراتی برمی گردد که مردم برای حفظ و صیانت جان و مال شان به مجموعه ای که ما آن را حکومت می نامیم، واگذار می شوند و دوم برای این که وجود دیکتاتوری ها - هر نوع حکومتی که با رأی و به اساس اراده مردم به وجود نیامده باشد و اراده یک فرد یا جمع

معدودی را بالاتر از اراده ملت بداند - به خودی خود مردود است. به خصوص زمانی که دیکتاتورها، مانند حافظ اسد و بشار اسد، برای استمرار دیکتاتوری های خویش به زور متوسل می شوند و دست به سلاخی مردم می زنند. توسل به زور برای امتداد دادن به قدرت جهنمی خصلت آشکار حاکمیت های سوری در طی چهل و یک سال گذشته بوده است.

۶- انکار از تشبث های خارجی، به خصوص قدرت های بزرگ، در هیچ تحول یا در هیچ بحرانی در اطراف و اکناف جهان عاقلانه نیست، اما به خاطر اهداف و تشبث های خارجیان بر روی آرزو های قلبی و پاک ملت ها که می خواهند آزاد و مستقل باشند، خط کشیدن هم کار منصفانه و عاقلانه نیست! اصل مردم هستند؛ منتها مردم باید هشیار باشند که طراران و راهزنان راه شان را نزنند، چنانکه طراران و راهزنان در کشور ما راه مردم را زدند! از این آرزومندی ها و خواست های به حق ملت ها باید حمایت شود! حق در یک کشور، در هر حال، تنها باید به مردم تعلق داشته باشد!

سوری ها افغان نیستند، اما انسان هستند!!!

سیدهاشم سدید

۲۰۱۲/۰۳/۲۵